

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی

در ویس و رامین اسعد گرگانی

علی محمد رضایی هفتادر*

دکتر مظاهر نیک خواه**

دکتر حسین خسروی***

چکیده

منظومه ویس و رامین نخستین مثنوی عاشقانه در قلمرو ادبیات فارسی است. هم‌چنین، از لحاظ آرایه‌های ادبی خلق‌شده در آن، اثری پیشگام در ادبیات فارسی به شمار می‌رود. شاعر با استفاده از عناصر گوناگون مؤفق به آفرینش تصاویر بدیع شده که اصطلاحات نجومی از آن جمله است. به این اعتبار، در پژوهش حاضر، موضوعاتی مانند عناصر و احکام نجومی، اسطوره‌ها و باورهای عامیانه و تأثیر اجرام در سرنوشت انسان‌ها و اسامی صور فلکی هم‌چون ناهید، ماه، خورشید و مشتری و نیز، اعتقاد به سعد و نحس بودن ستارگان، پرستش اجرام و یاری خواستن از آن‌ها، روز و ساعت نیکو و... بررسی و کاویده شده است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که دانش فخرالدین اسعد گرگانی در زمینه نجوم و باورهای عامیانه نسبت به عناصر آسمانی درخور توجه است و قدرت ادبی او در خلق تصاویر بدیع برجسته به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی

ویس و رامین، نجوم، ادبیات، تصویرسازی.

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، گروه زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

*** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، گروه زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۳

فخرالدین اسعدگرگانی نخستین شاعر بزرگ اواسط قرن پنجم و از داستان‌سرایان بزرگ ادبیات فارسی است. مهم‌ترین اثر او، ویس و رامین، نخستین منظومه عاشقانه و غنایی در ادبیات فارسی به شمار می‌رود و از این لحاظ اهمیت بسیار دارد. این مثنوی از این جهت که داستان کهن ایرانی است و نیز به دلیل فصاحت و بلاغت، دارای اعتبار و روایی است، ولیکن پس از غلبه عواطف دینی در ایران و همچنین بعد از سروده شدن داستان‌های منظوم نظامی گنجوی و مقلدان وی، از شهرت و رواج داستان ویس و رامین کاسته و نسخه‌های آن کمیاب شد؛ چرا که بسیاری از موقعیت‌ها و تصاویر داستان به دور از موازین اخلاقی و اجتماعی محیط اسلامی بود. با این حال، منظومه مذکور تا اوایل قرن هفتم، داستانی مشهور و مورد علاقه عموم بوده است. روش فخرالدین اسعدگرگانی در نظم این داستان - همان‌طور که در میان شاعران قرن چهارم به بعد متداول بود - همان است که ناقلان داستان‌های قدیم نظم فارسی داشتند. تصرف شاعران در این‌گونه داستان‌ها، آرایش‌های ظاهری و معنوی از قبیل آراستن معانی به الفاظ زیبا، تشبیهات بدیع و اوصاف دل‌انگیز است. متن پهلوی داستان چنان‌که فخرالدین اسعد گفته است بدون آرایش‌های لفظی و معنوی بوده است. شاعر این داستان را خود به نظم درآورده و تشبیهات و استعارات زیبایی را در آن به کار برده، که غالباً در ادبیات فارسی تازگی داشته است. او برای خلق تصاویر بکر ادبی از عناصر بسیاری استفاده کرده که توجه به اصطلاحات نجومی از آن جمله است.

بیان مساله و سوالات تحقیق

در این پژوهش، تحلیل تصاویر با رویکرد نجومی در منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی صورت گرفته است که در نمایاندن ذهن هنری شاعر و قدرت خلق اثر او، تأثیر بسزایی دارد. در پژوهش حاضر، موضوعاتی مانند عناصر و احکام نجومی، باورهای عامیانه و تأثیر اجرام در سرنوشت انسان‌ها و اسامی صور فلکی هم‌چون ناهید، ماه، خورشید و مشتری و

تصویرآفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۲۳۰۰۰

نیز، اعتقاد به سعد و نحس بودن ستارگان، پرستش اجرام، روز و ساعت نیکو و... بررسی و کاویده شده است.

پرسش‌های تحقیق

مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق، عبارت است از:

- آیا مضامین رو و شب در خلق تصاویر ادبی در ویس و رامین برجسته بوده‌اند؟
- فخرالدین اسعدگرگانی از کدام آرایه‌ها در ارتباط با اصطلاحات نجومی بهره گرفته است؟

- مهم‌ترین کارکردهای اصطلاحات نجومی در ویس و رامین چیست؟

اهداف و ضرورت تحقیق

تاکید این تحقیق بر شیوه تصویرآفرینی فخرالدین اسعد گرگانی در ویس و رامین از آن رو حائز اهمیت است که در غالب پژوهش‌هایی که پیرامون این منظومه انجام شده، به وجه غنایی و مضامین عاشقانه آن پرداخته‌اند ولی پرداختن به وجه و رویکرد نجومی، با وجود اهمیتی که دارد، از قلم افتاده است و اما اهداف اولاً، آشنایی با شَمّ والای هنری فخرالدین اسعدگرگانی در ایجاد تصاویر زیبای نجومی و ثانیاً دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توانند با بهره‌مندی از نتایج این تحقیق، میزان هنرمندی شاعران را مشخص کرده، در مقایسه آنان با یک‌دیگر به شکلی علمی و با ترسیم جداول آماری در باره قدرت تصویرآفرینی شاعران نظر بدهند.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با منظومه ویس و رامین پژوهش‌هایی صورت گرفته است. از این بین، دکتر محمدعلی اسلامی‌ندوشن (۱۳۴۶) در مقاله‌ای در کتاب جام جهان‌نما و محبوب (۱۳۷۷) در

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال شانزدهم ❖ شماره ۳۵

۱۲۴ تصویرآفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی...

«مقدمه‌ای بر منظومه‌ی ویس و رامین» به طرح و شرح موضوعاتی در پیوند با این اثر پرداخته‌اند. هم‌چنین، قدمیاری و دلافروز (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد عناصر فانتزی در مثنوی ویس و رامین»، تاج‌بخش و حسن‌پور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی ده‌نامه‌ی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی» و محمدپور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی داستان ویس و رامین از لحاظ عناصر داستانی» سعی کرده‌اند به جنبه‌هایی از ویژگی‌های ادبی این اثر اشاره کنند. پژوهش‌های مشابه دیگری در ارتباط با موضوع این منظومه وجود دارد، اما در هیچ یک، به بررسی کاربرد اصطلاحات علم نجوم از لحاظ علمی و اسطوره‌ای، آن‌هم برای خلق تصاویر ادبی اشاره‌ای نشده است. در نتیجه، این بخش از هنر گرگانی آن‌گونه که باید معرفی و شناخته نشده است.

فخرالدین اسعد گرگانی و علم نجوم

فخرالدین اسعد گرگانی از جمله ادیبانی است که در زمینه‌ی نجوم اطلاعاتی کافی داشته و از دانش خود برای تصویرسازی‌های بدیع در ویس و رامین استفاده کرده است، در نگاه فخرالدین اسعد گرگانی، سعد و نحس روزگار ناشی از حرکات سیاره‌ها است و اخترشناسان نقش پررنگی در تعیین زمان میمون و نامیمون وقایع دارند. استعاره‌های هوشمندانه و تشبیهات بدیع و زیبا با استفاده از عناصر آسمانی، عمق دانش نجومی وی و توانایی او در به کارگیری از آن را بازگو می‌کند. برای مثال، در گفتاری که در توصیف شب پرداخته است اصطلاحات علمی نجوم را با دقت تمام برمی‌شمارد و هر یک از صورت‌های فلکی را در جای خود ذکر و نماد هر یک را ترسیم می‌کند:

دو پیکر باز چون دو یار در خواب	به یکدیگر پیچیده هم‌چو دولاب
به پای هر دو اندر خفته خرچنگ	تو گفستی بی‌روان گشتت و بی‌چنگ
اسد در پیش خرچنگ ایستاده	کمان‌کردار دم بر سر نهاده
ز مشرق برکشیده طالع سعد	بدان تا بد بود پیوند موبد

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۲۵۰۰۰

به هم گرد آمده خورشید با ماه چو دستوری که گویدر از با شاهد

(فخرالدین اسعدگرگانی، ۱۳۴۹: ۸۹)

در همین بخش، فلک و حرکات ستارگان تأثیرگذار در موقعیت‌های داستانی دانسته شده است، به طوری که شاعر از بازیگردانی‌های آن اظهار شگفتی می‌کند:

فلک هر ساعتی سازی گرفتگی
بهر آوردی دگرگونه شگفتی
مشعبدوار چابک دست بودی
عجایب‌های گوناگون نمودی
اگر نیکو بیندیشی ببدانی
که این بوده‌ست کار آسمانی

آبای علوی

در این باره باید گفت که منجمان پس از دوره ساسانی عموماً طبقات آسمان را هفت می‌پنداشتند و هر طبقه به یکی از سیارگان هفت‌گانه تعلق داشت. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۵) این سیارات عبارت هستند از: کیوان، بهرام، ناهید، اسد، تیر، خورشید، ماه. در ادب فارسی، این ترکیب «کنایه از نه‌فلک یا هفت سیاره» (عفیفی، ۱۳۹۱: ۶/۱) است. در این راستا، گرگانی در بیت زیر، از این سیاره‌ها با عنوان اندام آسمان یاد می‌کند. بنا بر این تفسیر، هر کدام از سیاره‌ها به منزله بخشی از بدنه آسمان محسوب می‌شوند و وظیفه‌ای خاص بر عهده آن‌ها نهاده شده است.

چو تو گویی بگیرد آن فلان را
بلرزد هفت اندام آسمان را

(فخرالدین اسعدگرگانی، ۱۳۴۹: ۵۸۶)

خسوف

یکی از پدیده‌هایی که در ارتباط با خورشید و ماه جالب توجه پیشینیان بوده، خسوف است. بر اساس افسانه‌ها، «ماه یا خورشید که می‌گیرد برای این است که ازدها آن را در دهن خودش می‌گیرد. برای این که ازدها بترسد و آن را قی بکند، باید آتش‌بازی بکنند، ساز بزنند، تیر خالی بکنند، تشت بزنند، آن وقت ازدها می‌ترسد و آن را رها می‌کند». (هدایت، ۱۳۹۰: ۳۵)

۱۲۶ تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی...

(۱۰۲) از این پدیده نجومی در ویس و رامین هم، یاد شده است، به طوری که فخرالدین اسعد با عنایت به افسانه مذکور، تصویرهای شعری زیبایی آفریده است. در نگاه او، گاهی «ویس» ماه است و گاهی هم، «رامین» و ازدهای ویس، «شاه موبد» است و ازدهای رامین، «جدایی از ویس». بر این پایه، زمانی که شاه موبد به ویس اجازه می‌دهد به سرزمین ماه‌آباد برود، ویس این خبر خوش را به دایه چنین بشارت می‌دهد:

همی‌دون مادرم را مزدگان خواه که رسته شد ز چنگ ازدها، ماه

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۱۸۰)

عناصر اربعه

فخرالدین اسعد گرگانی در بخش‌های نخست کتاب به بیان حمد و توحید پروردگار، ستودن نظم خلقت و بازگ کردن اطلاعاتی دقیق از مواضع اجرام آسمانی می‌پردازد و به این ترتیب، دانش خود از چگونگی نظم این امور را نشان می‌دهد. این ابیات تنها بخشی است که صرفاً به معرفی اجرام آسمانی پرداخته می‌شود و آرایه‌های ادبی در آن دخالتی ندارد. فخرالدین اسعدگرگانی به خوبی از تأثیر ستارگان بر شرایط جوی و حیات گیاهان و جانوران بر روی زمین آگاه است. هم‌چنین، به نظر می‌رسد از طریقه حرکت ستارگان در مدارهای مشخص و دگرگونی عظیمی که در اثر انحراف هرچند کوچک آن‌ها از این مدار، بر حیات زمین رخ خواهد داد، آگاهی دارد. «نیاکان باستانی ما از حدود قرن دوم میلادی از حرکت تقدیمی زمین آگاهی داشته‌اند و می‌دانستند که محور زمین دارای دوران ملایمی است (یک دور کامل آن تقریباً ۲۶۰۰۰ سال طول می‌کشد). به علت همین حرکت تقدیمی و تغییر در جهت حرکت محور زمین است که موقعیت زمین نسبت به عهد گذشته کمی تغییر کرده است. یکی از اثرات مشهود این پدیده آن است که خورشید نسبت به دو هزار سال پیش حدود یک ماه در هر صورت فلکی زودتر وارد می‌شود». (مکمل و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳) همین رویکرد در شعر زیر نمود پیدا کرده است. آنجا که شاعر می‌گوید:

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۲۷۰۰۰

نه یکسانند همواره به مقدار به دیدار و به کردار و به رفتار
اگر بی‌اخترستی چرخ گردان نگشستی مختلف اوقات کیهان
نبودی این علل‌های زمانی کز و آید نیات زنگانی
چو این مایه نبودی رستی را نبودی جانور روی زمی را
وگر بی‌آسمان بودی ستاره جهان پر نور بودی همواره
فروغ نور ظلمت را ز دودی پس این کون و فساد ما نبودی
وگر نه کرده بودی چرخ مایل بدین سان لختکی میل معادل
نبودی فصل‌های سال گردان نه تابستان رسیدی نه زمستان

(فخرالدین اسعدگرگانی، ۱۳۴۹: ۳-۲)

طالع‌بینی

طالع در لغت به معنای «برآینده و طلوع کننده، اختر و برج درجه طالع و نیز، جزئی است از منطقه البروج که در وقت مفروض در افق شرقی باشد. اگر آن وقت زمان ولادت شخصی بود، آن را طالع مولود یا طالع آن شخص گویند و اگر در اول سال شمسی باشد آن را طالع سال گویند و درجه آن را درجه طالع. طالع مشهورترین واژه احکام نجومی است». (برزگر خالقی، ۱۳۸۷: ۶۷۵-۶۷۴) طبق باور قدما، هر کدام از سیارات منظومه شمسی، با توجه به شکل و ظاهر خود، مظهري از مظاهر نور، دوستی، خشکی، زیبایی، عشق و جز این‌ها بوده‌اند. از مجموع نسبت این امور با یکدیگر و تلفیق این حالات، باورهایی در باره موقعیت زمانی سعد و نحس توسط منجم به دست می‌آید که می‌تواند روشن‌گر سرنوشت هر فرد و آینده او باشد. در این علم، استنباطها و استخراجات گسترده‌ای بر اساس قران سیارات طراحی شده است که به پیش‌بینی تولد نوزادی خاص با ویژگی‌های منحصر به فرد می‌پردازد. ویژگی‌هایی که می‌تواند نقشی اساسی در یک امر مهم مانند حکومت داشته باشد. چنان که در داستان‌های قدیم و در میان اقوام مختلف، نمونه‌های فراوانی از آنها به چشم می‌خورد.

در بین کواکب برخی از آنها سعد هستند و موجب مبارکی می‌شوند و برخی نحس هستند و ناکامی و شومی به بار می‌آورند. به گفته ابوریحان بیرونی: «زحل و مریخ نحسند علی کل حال؛ زحل نحس بزرگ و مریخ نحس کوچک. مشتری و زهره سعدند. مشتری سعد بزرگ و زهره سعد خرد. مشتری برابر زحل است و برگشادن بندهای او از محنت است. زهره برابر مریخ اندر؛ و آفتاب هم سعد است و هم نحس. چون از دور بنگرد سعد باشد. نزدیک به هم که بود، نحس است. عطارد با سعود، سعد است و با نحوس نحس. دست با آن ستاره دارد که با وی است و چون تنها باشد به سعادت گرایسته‌تر و نزدیک‌تر است. قمر به ذات خویش سعد است و نهادهش از ستارگان زو همی گردد از جهت زودی در حرکتش». (بیرونی، ۱۳۵۸: ۳۵۶)

پدیده‌های نجوم در شعر فخرالدین اسعد گرگانی

فلک

آسمان یا فلک که در برگیرنده ستارگان و منظومه‌های فلکی است، در باور قدما اولین مخلوق دانسته شده است. «در مزدیسنا و روایات اساطیری کهن، آسمان نخستین مخلوق مرئی و گیتیایی اهورامزدا است». (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۴) در گذشته، فلک به دلیل حرکت چرخشی به شکل هندسی دایره تصور میشد. «پارسیان او را آسمان نام کردند، یعنی مانند (آس = آسیا) از جهت حرکت». (همان: ۴۳) از آنجا که باور به کمال دایره در اشکال هندسی وجود داشت، آسمان کامل‌ترین پدیده هستی به شمار می‌رفت. حرکت و سیر اجرام سماوی پاینده است. از این رو، افلاک بر زمین برتری دارد. برتری دیگر آسمان، روشنی و پرنوری آن است. بدیهی است که جسم روشن و صاف بهتر و ارزشمندتر از جسم تیره و کدر است. گرگانی با بازتاب این باور در بخش‌های آغازین منظومه، خود را هم اعتقاد با گذشتگان می‌داند.

نخستین آنچه پیدا شد ملک بود	وزان پس جوهری کرد آن فلک بود
و زیشان آمد این اجرام روشن	بسان گل میان سبز گلشن
بهین شکلی است ایشان را مدور	چنان چون بهترین لونی منور

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۲)

سیارگان

ابوالفضل مصفی در فرهنگ اصطلاحات نجومی در ذیل مدخل سیارگان می‌گوید: «اجرام آسمانی که به ترتیب دوری از زمین عبارتند از: ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری، زحل؛ سیارات منظومه شمسی نام داشته، و رؤیت آنها تنها بر اثر بازتاب نور خورشید صورت می‌گیرد؛ چرا که هیچ‌کدام از آنها - غیر از خورشید - از خود روشنائی ندارند.» (مصفی، ۱۳۶۶: ۴۲۵)

در این تحقیق سیارات به ترتیب اهمیت آنها در نگاه فخرالدین اسعد و کاربرد و بسامد بیشترشان در ویس و رامین تنظیم شده‌اند.

بهرام (مریخ) و کیوان

در همه‌جای داستان ویس و رامین مشورت با منجمان جهت تشخیص زمان میمون یا نامیمون برای صورت‌گرفتن رخدادی مهم، انجام می‌شود. مثلاً درخواست شهر و از اخترشناسان برای تعیین تاریخ سعد جهت مراسم ازدواج ویس، از آن جمله است:

بپرسید از شمار آسمانی	کز و کی سود باشد کی زیانی
از اختر کی بود روز گزیده	بسد بهرام و کیوان زو بریده
چو دید از مهر دختر را نکورای	بخواند اخترشناسان را زهر جای
که بیند دخترش را شوی و پسر زن	که بهتر آن زهر شوی این زهر زن
همه اخترشناسان زیج بردند	شمار اختران یک یک بکردند

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۵۰-۴۹)

هم‌چنین، در هنگام روی آوردن اقبال و دولت به «شاه موبد»، حمایت سیارگان سعد مؤثر دانسته شده است. شاعر در این ابیات به صورت‌های فلکی و ویژگی‌های هر یک اشاره می‌کند و می‌گوید کیوان در کامروایی و سعد، اورمزد در وزیری، بهرام در جنگاوری و تیر در دبیری،

۱۳۰ تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی...

پشتیبان و یاور شاه موبد هستند. بنا بر این، این سیارگان نقشی پویا در پیشرفت یا پسرفت زندگی بشری ایفا می‌کردند.

شده کیوان ز هفتم چرخ یارش	به کام نیک خواهان کرده کارش
ز هشتم چرخ هر مزد خجسته	وزیرش بود دل در مهر بسته
سپهدارش ز پنجم چرخ بهرام	که تا ایام را بیش او کند رام
دیبر او شده تیر جهنده	ازین شد امر و نهی او رونده

(همان: ۵۶-۵۷)

در جای دیگری از داستان، مقارنه زهره و ماه، همواره مقارنه‌ای مبارک معرفی شده است:

چو بر دز رفت بام دز چنان بود که ماه و زهره را با هم قران بود

(همان: ۲۵۳)

چو در دز رفت شاهنشاه موبد به ایدون وقت و ایدون طالع بد

(همان: ۱۰)

ز هر شهر آمده اختر شناسان حکیمان و گزینان خراسان

(همان: ۹۱)

یکی گفتی قمر کرد این به میزان یکی گفتی زحل کرد این به سرطان

(همان: ۳۵۴)

خورشید

خورشید نخستین و برترین جرم آسمانی بود که انسان آن را شناخت؛ زیرا با ظهور خورشید در آسمان، تاریکی و سکون زندگی کنار می‌رفت و نور روز باعث جریان مجدد زندگی می‌شد. به این علت، ارزشمند و مظهر حیات تلقی به شمار می‌آمد. این موضوع، خورشید را به تصویری تأثیرگذار و ماندگار در آثار ادبی بدل کرده است. در این متون، اگر شخصی به لحاظ تخلق به ویژگی‌های مثبت با خورشید هم‌پایه دانسته شود، نشان‌گر ارزشمندی

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۳۱۰۰۰

آن فرد است. چنان‌که گرگانی در ابیات زیر، چنین نگرشی را بازتاب داده است:

نه مادر بود گویی مشرقی بود کز و خورشیدتابان روی بنم‌بود

(همان: ۷۴)

ز کانی کنده و بی‌بر بمانده به کانی در جهان گوهر فشانده

(همان: ۳۵۸)

در اعتقاد قدما، خورشید و ماه در هر غروب به چاهی در مغرب فرو می‌روند و از سوی دیگر، از چشمه‌ای در مشرق (عین‌الشمس یا چشمه آفتاب) بیرون می‌آیند. «ملل سامی و از آن جمله اعراب معتقد بودند که آفتاب به هنگام غروب در چشمه گرمی ناپدید می‌شود و از چشمه حیوان در ظلمات، که آن را چاه ظلمات و چاه مغرب هم گفته‌اند، هر بامداد بیرون می‌آید». (مصفا، ۱۳۸۱: ۲۵۳)

در این زمینه، گرگانی بیت زیر را سروده است و می‌توان تشخیص را در آن که از نوع حسی است مشاهده کرد که در صفت شب از آن بهره برده است و شاعر به امور طبیعی و حسی جان بخشیده است.

تو گفستی شب به مغرب کنده بد چاه به چاه افتاده مهر از چرخ ناگاه

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۸۱)

عطار (تیر)

عطار سیاره تیزبای منظومه شمسی، نماد دانایی است، اما عموماً هنگام تولد یک شخص به‌کار می‌رود و بر اساس موقعیت آن تفسیرهای گوناگونی مطرح می‌شود. در منظومه ویس و رامین، بعد از این‌که طبیبان در تشخیص علت بیماری ویس به نتیجه‌ای نمی‌رسند، اوضاع آسمانی را در پیدایی این وضعیت دخیل می‌دانند. بودن ماه در میزان در اختربینی و طالع‌بینی گذشتگان به معنای اندوه و رنجور بودن بوده و حضور زحل در سرطان باعث بروز مشکلات و گرفتاری‌ها می‌شده است. هم‌چنین، در بخش «برآمدن سلطان ابوطالب طغرل‌بیک از

۱۳۲ □ تصویرآفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی...

اصفهان»، شاهد حمایت‌گری سیارگان و به وجود آوردن زمانی مبارک و خوش‌یمن هستیم. در ایجاد این زمان نیک، سیاره‌های تمام طبقات هفت‌گانه آسمان مشارکت دارند:

به بزم اندر چو خورشید درفشان	به رزم از پیل و از شیران سرافشان
شده کیوان ز هفتم چرخ یارش	به کام نیک خواهان کرده کارش
ز هشتم چرخ هرمزد خجسته	وزیرش بود دل در مهر بسته
سپهدارش ز پنجم چرخ بهرام	که تا ایام را پیش او کند رام
جهان افروز مهر از چرخ رابع	به هر کاری بدی او را متابع
شده ناهید رخشانش پرستار	چو روز روشنش کرده شب تار
به مهرش دل نهاده مهر تابان	به کین دشمنان او را شتابان
شده رایش به تگ بر ماه گردون	شده همت ز مهر و ماهش افزون
جهان یکسر شده او را مسخر	ز حد اختر تا حد خاور
جهانش نام کرده شاه موبد	که هم موبد بد و هم بخرد رد

(همان: ۳۲-۳۱)

در زمانی دیگر، سیارگان نحس گرد هم آمده و با مشارکت یک‌دیگر، طالع نامبارکی رقم می‌زنند. در ابیات زیر، «ابتدا اجتماع خورشید و ماه در وتد طالع مطرح است که ماه در حال اجتماع، تحت الشعاع خورشید است و منجمان تحت الشعاع را منحوس می‌دانند. در بیت بعدی، سخن از وتدالارض است که با عنوان چهارم چرخ طالع از آن یاد شده است که جایگاه زحل و عطارد است و زحل، نحس اکبر است و عطارد خثی است، اما چون با زحل همراه است به نحوست می‌گراید و نحس می‌گردد. در بیت چهارم، وتد غارب مطرح است که با عنوان هفتم - خانه طالع از آن یاد شده است و مریخ و زنب در آن جای دارند. این تصویر از مسامحت خالی نیست؛ چون اخترشناسان معتقد بودند که مریخ از زنب مسعود گردد». (ماهیار، ۱۳۹۳: ۸۹۳) در نهایت، شاعر برآمدن طالع نحس را نشانه‌ای برای بد بودن پیوند موبد می‌داند و می‌گوید:

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۳۳۰۰۰

ز مشرق بر کشیده طالع بد بدان تا بد بود پیوند موبد
به هم گرد آمده خورشید با ماه چو دستوری که گوید راز باشاه
رفیق هر دو گشته تیر و کیوان چهارم چرخ طالع جای ایشان
به هفتم خانه طالع را برا بر ذنب انباز بهرام ستمگر
میان هر دوان در مانده ناهید ز کردار همایون گشته نومیید
نبود از داد جویان هیچ کس یار که فرخ بود پیونددش بدان کار

(فخرالدین گرگانی، ۱۳۴۹: ۹۰)

با وجود این که در داستان ویس و رامین اعتقاد محکمی به قدرت عناصر فلک در سرنوشت انسان دیده می شود، گاهی ماجراهایی به تصویر کشیده می شود که گویی از لونی دیگر است. برای مثال، در داستان، ویس دچار چنان حزن و خشمی است که به مقابله با این عناصر و تهدید آن می پردازد. در بیت نخست، به داستان ماهی زمین اشاره شده «که جهان بر پشت اوست... در شعر فارسی به روایت (ماهی زمین) به همین مضمون اشاره شده است» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۷۴۸) گرگانی در دو بیت زیر، بر آن است بار غم و جنونی را که شخصیت داستانی تحمل می کند، به مخاطب خود انتقال دهد و این گونه نوعی حس هم ذات پنداری در او ایجاد کند:

به اشک دل فرو شویم سیاهی بیاغرم زمین تا پشت ماهی
چنان از حسرت دلبر کشم آه کجاره گم کند بر آسمان ماه

(فخرالدین اسعدگرگانی، ۱۳۴۹: ۳۹۰)

ستارگان

اسد^۱

اسد به معنای شیر، صورت شمالی منطقه البروج و برجی ثابت. (مصطفی: ۳۵)

۱۳۴ تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی...

اسد در پیش خرچنگ ایستاده کمان کردار دم بر سر نهاده
چو عاشق کرده خونین هر دو دیده ز فر بگشاده چون نار کفیده

(فخرالدین اسعد گرگانی: ۷۸)

بره یا جدی^۱

صورت فلکی کم‌نور جدی در منطقه البروج، یکی از نخستین صور فلکی است که از دوران ماقبل تاریخ شناخته شده است. نمود این صورت فلکی در ادب فارسی خاصه منظومه ویس و رامین برجسته است. گرگانی در ابیات زیر، به قرینه کمان‌دار یا برج قوس^۲ که پیش از جدی قرار دارد، از صورت فلکی جدی یا بزغاله سخن گفته است. صورت فلکی کمان‌دار «به گونه‌ای در آسمان قرار گرفته است که جهت تیر آن به سمت قلب صورت فلکی عقرب می‌باشد»، (محسن‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۳) اما در بیت مذکور، تیر بزغاله را مورد اصابت قرار داده است. تصویر ترسیم‌شده توسط گرگانی، پیش‌زمینه‌ای از حوادث در حال وقوع است. شاعر در صدد بیان این مطلب است که موبد (کمان‌ور) به ناگهان بر ویس (بزغاله) بی‌خبر وارد شده و او را هم‌چون شکاری با خود می‌برد.

کمان‌ور را کمان در چنگ مانده دو پای آزرده است از چنگ مانده
بره از تیر او ایمن نخفته میان سبزی و لاله نرفته
ز ناگه بر بره تیری گشاده بره خسته ز تیرش اوفتاده

(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۹)

ثور^۳

ثور صورت واقع در منطقه البروج در نیمکره شمالی آسمان و دارای چندین مجموعه خوشه‌ای است که پروین یکی از آنها است. (مصفا: ۱۵۱)

-
- 1- Capricornus
 - 2- Sagittarius
 - 3- Taurus

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۳۵۰۰۰

حمل با ثور کرده روی در روی ز شمشیر آسمانی یافتنه بسوی

(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۸)

حمل^۱

حمل صورت فلکی کم نوری در منطقه البروج است که بین برج‌های حوت^۲ و ثور^۳ جای دارد. هر سه صور فلکی حمل، ثور و اسد جزو دوازده صورت فلکی منطقه البروج هستند. «ضمن این‌که کره زمین گردش سالانه را در مدار خود انجام می‌دهد، به نظر می‌رسد که خورشید مسیری را نسبت به آسمان پشت سر خود در درون ستارگان می‌پیماید. این مسیر ظاهری را اصطلاحاً دایره البروج یا دایره گرفتگی گویند. بازتاب این مسایل نجومی در منظومه فخرالدین اسعد درخور توجه است. شاعر در ابیات زیر، شیر سهمگین و ترساننده حمل و اسد را استعاره‌ای از موبد و ورود او به بارگاه ویس در نظر گرفته است.

حمل با ثور کرده روی در روی ز شمشیر آسمانی یافتنه بسوی

ز بیم شیر مانده هر دو بر جای برفتنه روشنان از دست و از پای

(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۸)

جوزا یا دوپیکر^۴

این صورت فلکی «مظهر دو برادر دوقلو به نام‌های کاستور و پولاکس است». (محسن نژاد، ۱۳۸۴: ۷۳) این تصویر عاشقانه اسطوره‌ای یادآور عشق‌ورزی ویرو و ویس است. گرگانی با نگرشی خلاقانه صحنه مصاحبت میان دل‌دار و دل‌داده را به نزدیکی صورت فلکی جوزا مانند کرده است.

دو پیکر باز چون دو یار در خواب به یکدیگر پیچیده چو دلاب

- 1- Aries
- 2- Pisces
- 3- Taurus
- 4- Gemini

دلو یا آبکش^۱

دلو نماد یازدهمین برج از منطقه البروج (بهمن)، برج تأمین بارندگی‌های مورد نیاز انسان است. برج دلو بین بروج جدی و حوت قرار گرفته و به صورت شخصی است که ظرفی سرازیر در دست دارد. در بیت زیر، فخرالدین اسعد به این برج اشاره کرده است:

فتاده آبکش را دلو در چاه بمانده آبکش خیره چو گمراه

(همان: ۸۹)

سرطان یا خرچنگ^۲

خرچنگ یا سرطان چهارمین برج از برج‌های دوازده‌گانه به شمار می‌رود و مابین صورت‌های فلکی دو پیکر از خاور و شیر از باختر واقع شده است. تصاویر به کار رفته برای خرچنگ و شیر در بیت زیر از فخرالدین اسعد، با توجه به معنای زمینی و اساطیری این جانوران مذکور، نشان از سکوت و سکون این دو و ناتوانی در مقابله با بلای نازل شده دارد.

به پای هر دو اندر خفته خرچنگ توگفتی بی‌روان گشته‌ست و بی‌چنگ
اسد در پیش خرچنگ ایستاده کمان کردار دم برسرنهاده

(همان: ۸۸)

سنبله یا خوشه^۳

عذرا یا سنبله یک صورت فلکی عظیم در نیمکره شمالی آسمان و دومین صورت فلکی در آسمان به لحاظ بزرگی است. در ویس و رامین، فخرالدین اسعدگرگانی با توجه به جنبه‌های زنانه این صورت فلکی، به توصیف حالات جسمانی یکی از شخصیت‌های داستانی پرداخته است. او در بیت زیر، با استفاده از واژگان «دوشیزه» و «خوشه» به هر دو ویژگی صورت فلکی سنبله اشاره کرده است. این امر، نشان از قدرت بالای علمی و ادبی شاعر دارد.

-
- 1- Aquarius
 - 2- Cancer
 - 3- Virgo

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۳۷۰۰۰

زن دوشیزه‌ای دو خوشه بر دست ز سستی مانده بر یک جای چون مست

(همان: ۸۸)

میزان یا ترازو^۱

در اسطوره و ادبیات، این صورت فلکی «مظهر عدالت، میزان و احقاق حق است». (محسن‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۳)، صورت فلکی میزان یا ترازو تا به امروز نشانه تساوی و توازن به شمار می‌آید. شکسته شدن ترازو و حالت پریشان آن، بیانگر آشفتگی شرایط و برهم خوردن اوضاع به ظاهر آرام شب است. در بیت زیر از منظومه ویس و رامین با تکیه بر این باور رایج در آن سال‌ها، آبتنی شب به حوادث و نامیمون نامکشوف برای مخاطب و شنونده تبیین شده است.

ترازو راه مه را رشته گسسته دو پله مانده و شاهین شکسته

(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۸)

تصویرسازی با صور فلکی در داستان ویس و رامین

در ویس و رامین، شاعر به مدد صور فلکی موفق به خلق تصاویر بکر و زیبای ادبی شده است. او با استفاده از ظرفیت‌های هر کدام از این صور و تلفیق آن با قوه قدرتمند خیال‌انگیز خویش، به پیشبرد روند داستانی کمک کرده است. فخرالدین اسعدگرگانی در عین در نظر داشتن موقعیت هر یک از برج‌ها، با چنان ظرافتی از نام و تصویر نماد آنها بهره برده که گویی داستانی مصور در پیش روی خواننده کتاب قرار گرفته است.

در این تحقیق صور فلکی به ترتیب اهمیت آنها در نگاه فخرالدین اسعد و کاربرد و بسامد بیشترشان در اشعارش تنظیم شده‌اند.

1- Libra

این صورت مردی را ماند بر پای ایستاده بر یک دست عنانی و بر دست دیگر تازیانه، کواکب او چهارده هستند و فخرالدین اسعد گرگانی از این صورت با کلمه عنان دارد در بیت نام برده است. (مصطفی: ۷۵۲)

یکی بی‌اسب همواره عنان‌دار یکی دیگر چو مارافسای با مار
(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۹)

اژدها^۳

نام دیگر اژدهای عنیصورتین (هشپهر یا هشتنپر) است و همان اژدهایی است که در باورهای عامیانه هند و ایران، ماه و خورشید به هنگام کسوف و خسوف به کام او می‌روند. «اژدهای چرخ یا اژدهای گردون نیز، صورتی فلکی است که از مجموعه‌ای از ستارگان، به شکل اژدها که به عربی آن را رأس، ذنب و تنین گویند» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۰۷) تشکیل شده است. «در اساطیر کهن از اژدها به عنوان نگهبان گنج‌ها یاد می‌کردند. این صورت فلکی نیز، به عنوان نگهبان ستارگان اطراف قطب شمال نام‌گذاری شد.» (محسن‌نژاد، ۱۳۸۴: ۳۶) با توجه به این تعریف، در بیت زیر، اژدها استعاره از موبد است که برای به دست آوردن گنج ویس تکاپو دارد.

نمود اندر شمال خویش تنین به گرد قطب دنبالش چو پر چین
(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۹)

استور یا ستور مردم^۴

ترکیب ستور مردم اضافه تشبیهی مقلوب و به معنای انسان یا مردم ستورگونه است. نام

-
- 1- Auriga
 - 2- Serpens
 - 3- Draco
 - 4- Centaurus

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۳۹۰۰۰

فارسی این ستاره «قنطورس» است. استور یا سانتوریا وصفی از قنطورس است که نیمی از آن شبیه به انسان و نیمی همانند چهارپا است. در ابیات زیر، گرگانی به شکل غیر طبیعی این صورت فلکی اشاره کرده است.

یکی استور مردم را خمانا شکفته بر تنش گل‌های زیبا
تو پنداری بیاشفته است چون مست گرفته دست شیری را به دودست

(همان: ۹۰)

افسر یا تاج جنوبی^۱

این تصویر نجومی در شعر فخرالدین اسعد نیز، بازتاب دارد. شاعر افسر را در معنای تاج با صورت مجمره یا آتشدان، یک صورت فلکی کوچک در نیمکره جنوبی آسمان، همراه کرده و گفته است:

پر از اخگر یکی سیمینه مجمر پر از گوهر یکی شاهانه افسر

(همان: ۹۰)

امرأه المسلسله^۲

این صورت فلکی، شبیه به تصویر زنی بسته شده در غل و زنجیر است که به طور ناخودآگاه داستان تراژیک به زنجیر کشیده شدن آندرومدا را در مقابل هیولای دریایی به یاد می‌آورد. بنا بر این، وقتی از این صورت فلکی در یک متن استفاده شود، هدف اصلی شاعر یا نویسنده ایجاد فضای دلهره و ترس می‌باشد. در منظومه فخرالدین اسعد گرگانی، صورت امرأه المسلسله همراه با تصویر مردی بر زانو نشسته آمده است. این مرد نام دیگر صورت هرقل می‌باشد. شاعر با استفاده از داستانی اسطوره‌ای، تصویری بکر از صحنه دستگیری ویس توسط موبد پدید آورده و در ضمن آن اشاره کرده اسارت ویس همانند اسارت آندرومدا در برابر هیولا، سهمگین و رهایی او دور از ذهن است.

1- Corona Australis

2- Andromeda

زنی دیگر به زنجیری بیسته به پیش مرد بر زانو نشسته

(همان: ۸۹)

جوی^۱ / ارنب^۲

صورت فلکی جوی درست از روبه‌روی پای شکارچی آسمان، یعنی صورت فلکی جبار آغاز می‌شود. ارنب به معنای خرگوش «در زیر پای صورت فلکی شکارچی و در طرف غرب سگ‌های شکاری قرار دارد. این صورت فلکی، مظهر حیواناتی است که شکارچی با کمک سگ‌هایش شکار کرده است». (محسن‌نژاد، ۱۳۸۴: ۷۴) وقتی در ویس و رامین سیر می‌کنیم شاهد بیت‌هایی هستیم که چنین اندیشه‌ای را انعکاس می‌دهند. شاعر می‌گوید:

نمود اندر جنوبش تیره‌جویی	ز بس پیچ و شکن چون جعد مویی
به نزد جوی خرگوشی گرازان	دو سگ در جستن خرگوش تازان
ز بند آن هردو سگ را برگشاده	کمر داری چو شاهی ایستاده
چو شاخ خیزران باریک ماری	کلاغی در میان مرغ‌زاری

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۹۰)

باطیه^۳

یکی دیگر از صورت‌های فلکی به کار رفته در داستان ویس و رامین، باطیه است که ارتباط ویژه‌ای با کلاغ دارد. روایتی از داستان شکل‌گیری صورت فلکی کلاغ وجود دارد که می‌گوید: کلاغ «فرستاده شد تا جامی از آب برای آپولو بیاورد. او در این راه کوتاهی کرد و در نتیجه او را به آسمان راندند و تبعید نمودند. در نتیجه، او در کنار جام یا پیاله نشاندند شد بدون آن‌که بتواند از آن آبی بنوشد». (مکملر و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۶) در بیت زیر از ویس و رامین، شکل ظاهری این صورت فلکی مشابه کاسه یا پیاله ذکر شده است. هم‌چنین، مقصود از ژاله،

-
- 1- Eridanus
 - 2- Lepus
 - 3- Crater

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۴۱۰۰۰

ستارگان داخل صورت فلکی می‌باشد. شاعر با استناد به روایت‌های اسطوره‌ای شب را به زیبایی و هنرمندانه توصیف کرده است.

نهاده پیش او زریں پیاله به جای می‌افکنده ژاله

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۹۰)

پروین

خوشه پروین در فاصله حدود ۴۰۰ سال نوری از زمین و در صورت فلکی گاو^۱ قرار دارد. در شعر فارسی پروین به اشک و دندان، گوهر و گوشواره و خوشه انگور، شکوفه، نظم در مقابل نثر، گردنبند و تسبیح، قطره باران و تیغه شمشیر و... مانند کرده‌اند و به رعایت تناسب، آن را به همراه برخی از ستارگان و صورت‌های فلکی در شعر آورده‌اند. برای مثال می‌توان به «اشک چون پروین»، «پروین و بدر»، «پروین و بنات‌النحش»، «پروین و خوشه» و «پروین و دندان» اشاره کرد. فخرالدین اسعد هم، از پروین در بیت زیر یاد کرده است:

چو ماه نو بر او گسترده پروین چو طوق افکنده اندر سرو سیمین

(همان: ۷۶)

دب اکبر^۲ و دب اصغر^۳

صورت فلکی دب اکبر «در بسیاری از تمدن‌ها بیان شده است، ولی با اشکالی متفاوت. .. معروف‌ترین آن‌ها، این صورت فلکی را به عنوان یک خرس بزرگ در نظر می‌گیرد که شکارچی، همراه با سگ‌هایش در پی او حرکت می‌کند». (محسن‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۶) گرگانی هم، در توصیف این صورت فلکی، ضمن نظر داشت ویژگی‌های مذکور، می‌سراید:

غنوده از پیس او خرس مهتر چو بچه پیش او از خرس که‌تر

(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۹)

- 1- Taurus
- 2- Ursa Major
- 3- Ursa Minor

دجاجة

صورتی در نیمکره شمالی و در کهکشان راه شیری است. «ابوریحان بیرونی در وصف دجاجة آورده است: «چون بطی است گردن دراز کرده و هر دو پر گشاده بر کردار پرندگان». (بیرونی، ۱۳۵۸: ۹۲) فخرالدین اسعدگرگانی از این صورت فلکی را به همراه صورت حوت در بیت زیر همگام ساخته است. حوت در نقشه‌ها به صورت دو ماهی ترسیم شده است که با طنابی به هم متصل هستند. بط در بیت زیر، استعاره از موبد و ویس ماهی اسیر در دام و ناکام در رهایی است.

دو ماهی راست چون دو خیک پر باد یکی بط گردنش چون سرو آزاد
بمانده ماهی از رفتن به ناکام تو گفستی ماهی است افتاده در دام
(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۹)

ذات‌الکرسی^۱

ذات‌الکرسی (کاسوپیا) مادر امراه‌السلسله (آندرومدا) است. خدای دریا، کاسوپیا را «به سندلیش زنجیر کرد تا در چرخش ظاهری آسمان، تا ابد به دور ستاره قطبی بچرخد». (محسن‌نژاد، ۱۳۸۴: ۵۲). ذات‌الکرسی در منظومه گرگانی، تداعی‌گر شهر و فریفتگی وی به جاه و قدرت است. هم‌چنین، علت گرفتاری ویس، شهر و است،

یکی بر کرسی ایمن نشسته ستوری پیش او از بند رسته
یکی بر کف سر دیوی نهاده کله داری به پیشش ایستاده
(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۹۰-۸۹)

عطارد^۲

عطارد، پیکان یا تیر، صورتی در نیمکره شمالی در کهکشان وزیرپای منبر کائنات است.

1- Cassiopeia

2- Sagitta

تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی ۱۴۳۰۰۰

اختر دانش، کاتب گردون، مستوفی گردون، دبیر انجم، کاتب علوی، منشی دیوان ثانی و مستوفی دیوان اعلاء، بخشی از مهم‌ترین القابی هستند که به عطارد نسبت داده می‌شود. در بیت زیر، فخرالدین اسعد آن را با منبر طایر یا دجاجه^۱ همراه کرده است.

براز او کرکسی پر بر نهاده دو پای خویش بر تیری نهاده

(فخرالدین اسعد گرگانی: ۸۹)

ماهی زرین^۲

ماهی زرین یا طلاپی یکی از صور فلکی جنوبی است که در ماه‌های بهمن، دی و اسفند در ایران دیده می‌شود. در نامه ویس به رامین، به این صورت فلکی اشاره شده است.

ز ماهی در محاق مهر پنهان به ماهی در سپهر کام تابان

(همان: ۳۵۸)

یکی پیکر بسان ماهی شمیم پشیزه بر تنش چون کوكب سیم

(همان: ۹۰)

1- Cygnus

2- Dorado

نتیجه

فخرالدین اسعد گرگانی در منظومه ویس و رامین در عین توجه به بعد ادبی و زیبایی کلام، صحت اطلاعات علمی نجومی چون توصیف دقیق احوال و مواضع سیاره‌ها و صور فلکی را نیز، در نظر دارد. از سوی دیگر، با توجه به نفوذ بُعد عامیانه نجوم در اعتقادات مردم، باورهای خرافی در این اثر به کرات مشاهده می‌شود. منظومه ویس و رامین از این جهت که نشان‌دهنده تصور قدما درباره تأثیر صورتهای فلکی و سیارگان و... است، اهمیت بسیاری دارد. شاعر عمدتاً برای شرح و تبیین حوادثی که پیرامون شخصیت‌های داستانی در شرف وقوع بوده و یا روی داده بود، از صورتهای فلکی و افسانه‌هایی که در باره آنها وجود دارد، استفاده کرده است. گرگانی بر آن بوده تا با بهره‌گیری از اصطلاحات نجومی، هم اطلاعات علمی خود را به رخ دیگران بکشد و هم، بر غنای اثر خود بیفزاید. او با این روش بر پیچیدگی ماجراهایی که وصف کرده، افزوده و آن را از سادگی صرف درآورده است. گرگانی با تکیه بر صور فلکی و بروج دوازده‌گانه، استعاره‌ها و تشبیهات نابلی خلق کرده که در متون دیگر کمتر دیده شده است.

منابع و مأخذ

- ۱- اسلامی ندوشن، محمدعلی. جام جهان بین. تهران: ایران مهر، چاپ اول، ۱۳۴۶.
- ۲- برزگر خالقی، محمدرضا. شرح دیوان خاقانی. تهران: زوار، جلد اول، ۱۳۸۷.
- ۳- بیرونی، محمد بن احمد. التفهیم لاوائل صناعه التفهیم. تصحیح جلال الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- ۴- تاجبخش، اسماعیل؛ حسن پور، هیوا، «سبک‌شناسی ده‌نامه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی»، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۴، شماره ۳، صص ۲۰۰-۱۸۳، ۱۳۹۳.
- ۵- عفیفی، رحیم. فرهنگ‌نامه شعری. تهران: سروش، ج ۱، چاپ سوم، ۱۳۹۱.
- ۶- فخرالدین اسعدگرگانی، ویس و رامین. به تصحیح ماگاتی تودوا و الکساندر گواخاریا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ۷- _____ ویس و رامین. به تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: بنگاه کتاب، ۱۳۷۷.
- ۸- قدمیاری، کرم‌علی؛ دل‌افروز، زینب، «کارکرد عناصر فانتزی در مثنوی ویس و رامین»، دوره ۷، شماره ۱۸، صص ۱۴۲-۱۱۱، ۱۳۹۰.
- ۹- ماهیار، عباس، «بررسی مفهوم طالع در شعر فارسی»، آرایه‌شده در: این گونه ماندگار؛ یادنامه استاد اسماعیل رفیعیان، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل، صص ۸۹۵-۸۸۵، ۱۳۹۳.
- ۱۰- محسن‌نژاد، اصغر. صورت‌های فلکی. تهران: شرح، ۱۳۸۴.
- ۱۱- محمدپور، خیرالنسا، «تحلیل عناصر داستانی ویس و رامین»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۳۸-۱۲۹، ۱۳۹۰.
- ۱۲- مصفا، ابوالفضل. فرهنگ اصطلاحات نجومی. تبریز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۷.
- ۱۳- مکلر، گری؛ چارترند، مارک؛ تیریون، ویل. صورت‌های فلکی. ترجمه احمد دالکی، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۷.

۱۴۶ □ تصویرآفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی...

۱۴- ورجاوند، پرویز. کاوش رصدخانه مراغه (و نگاهی به پیشینه دانش ستاره‌شناسی در ایران). تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.

۱۵- هدایت، صادق. نیرنگستان. تهران: جاویدان، ۱۳۹۰.

۱۶- یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر و داستانواره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶.